



اصولاً انگیزه‌های اقتصادی موجب کشف قاره آمریکا و سپس مهاجرت اروپاییان شد. استقلال آمریکا نیز قبل از اینکه انگیزه ناسیونالیستی داشته باشد، عیسائی بود علیه مالیت‌های سرسام‌آور دولت انگلیس. به عبارت دیگر، جامعه آمریکا بر مبنای اقتصاد شکل گرفت و در طول تاریخ خود همه دوره‌های سرمایه‌داری را طی کرد. به همین جهت نظام سرمایه‌داری و نقش سرمایه‌داران در نظام سیاسی آمریکا، دو شاخصه تفکیک‌ناپذیر دولت امریکاست.

- نظام سرمایه‌داری آمریکا**

نظام اقتصادی آمریکا از همان ابتدا بر مبنای سرمایه‌داری بنا شد. در قانون اساسی و قوانین عادی آمریکا، اصالت مالکیت خصوصی، کنترل ابزار تولید توسط شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، عدم دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی و تنها نظارت و هدایت آن، مورد تأکید قرار گرفت. پس از رشد صنعتی در اواخر قرن نوزدهم،بنگاه‌های سسر سرمایه‌داری به وجود آمد و سپس این بنگاه‌ها تبدیل به بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، «کارتل‌ها» و «تراسته‌ها» و انحصارات شد. هر چند گاهی دولت برای کنترل اقتصاد به نفع سرمایه‌داران خرد، قوانین ضد«تراست» به تصویب می‌رساند اما در یک نظام کاپیتالیستی این قوانین نمی‌توانست تأثیرگذار باشد. امروز بانک‌های غیردولتی بین‌المللی با سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و خرید سهام نقش اساسی را در اقتصاد آمریکا بازی می‌کنند. امروز سراسر رشته‌های اقتصادی سرمایه‌داری آمریکا در دست شمار بسیار اندکی از سرمایه‌دارن مالی است.از پمپ بنزین کنار خیابان تا معدن مس در شیلی تحت کنترل این سرمایه‌داران همدست است. طبق گزارش حزب ترقی کار آمریکا، ۲ گروه عمده اقتصاد آمریکا را در دست دارند: گروه «راکفلر» و گروه «مورگان». ۴ گروه کوچک‌تر، «ملون»، «کلیولند»، «بنگ آو آمریکا» و گروه «هوستون» با نفشی غیرمستقل و ۵ گروه بسیار کوچک منطقه‌ای، اکثر ثروت و سرمایه‌داری آمریکا را در دست دارند. این گروه‌ها با همکاری یکدیگر ۸۵ شرکت از ۱۰۰ شرکت صنعتی بزرگ، ۳۸ بانک از ۴۰ بانک بزرگ، ۱۹ کمپانی از ۲۰ کمپانی بزرگ بیمه، ۱۸ کمپانی، از ۲۰ کمپانی بزرگ حمل و نقل، ۱۸ شرکت از ۲۰ شرکت عام‌المنفعه، ۷ رشته از ۱۰ رشته بزرگ بازرگانی و ۱۲ بانک از ۱۵ بانک بزرگ پس‌انداز را در دست دارند. این گروه‌ها اکثر صنایع نظامی، هوایی، دریایی، ماشین‌سازی و حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی و مالکیت جاده‌ها، راه‌آهن، پست،

شاید بتوان نهضت مشروطه ایران را مهم‌ترین واقعه تاریخ چند هزار ساله این ملت کهنسال دانست. مردم ایران در این جنبش به دنبال کسب آزادی‌ها و حقوق از دست رفته‌ای بودند که طی قرون متمادی به وسیله اعمال حکومت‌های مستبد پامَل شده بود. جنبش مشروطه یک‌بار به‌وقوع نپیوست بلکه مقدماتی داشت که به صورت مختصر به شرح آنها می‌پردازیم. یکی از مهم‌ترین وقایعی که بعدها به حرکت و جنبش مردم در مشروطه منتهی شد نهضت تحریم تنباکو است. تا قبل از آن حرکت مردم تصور نمی‌کردند در مقابل دستورات و اوامر پادشاه خودکامه بتوان ایستادگی کرد اما حکم تحریم تنباکو که به وسیله میرزا شیرازی، استاد گرانقدر آخوند خراسانی صادر شد در خاطر مردم ماند تا در انقلاب مشروطیت به کمک آنها بیاید. اما مردم در انقلاب مشروطه چه می‌خواستند؟ وقوع این جنبش چه دستاوردهایی برای‌شان به ارمغان آورد؟ مشروطیت، این باور و پندار غلط را که پادشاه سایه خدا روی زمین است از میان برداشت. مردم فهمیدند پادشاه‌نماینده ملت است و چنانچه از مصالح ملت و کشور یا رفتار بگذارد و به اعمال مستبدانه دست بزند می‌توان او را بر کنار کرد و دیگری را به جای او نشاند. مشروطیت به همه ثابت کرد برای قرار گرفتن در یک منصب حکومتی نسبت خانوادگی یا دربار کافی نیست، بلکه باید شایستگی، لیاقت و کاردانی به جای آن ملاک قرار گیرد. مشروطیت، خواهان جدا

ریشه بی‌اعتمادی به آمریکا چیست؟

حکومت نامرئی و نظام سرمایه‌داری

- روح‌الله‌حسینیان**

- اهداف‌شورا**

«گاری آلن» نویسنده پرفروش‌ترین کتاب آمریکا یعنی «همج کس جرأت ندارد آن را توطئه بنامد» در تحقیقات پرانمنه و جالب خود معتقد است: «صاحبان کارتل‌های بین‌المللی که برای تسلط

بر جهان به دنبال یک حکومت جهانی (World Government) بودند، ابتدا جنگ اول جهانی را تدارک دیدند و برای سلطه جهانی طرح «جامعه ملل» را ریختند. سرمایه‌داران بین‌المللی پس از راه‌اندازی جنگ، ویلسون را وارد کردند در جنگ شرکت کنند. آنان پس از اتمام جنگ درصدد تشکیل جامعه ملل در آمریکا برآمدند تا ابزاری برای حکومت جهانی آنها شود».
سال ۱۹۱۹ سرهنگ هائوس با

اعضای یک انجمن سری موسوم به «میزگرد» در پاریس ملاقات کرد تا سازمانی را تأسیس کنند که وظیفه آن تبلیغ درباره شکوه و عظمت حکومت جهانی در میان مردم آمریکا، انگلیس و اروپای غربی باشد». قرار بر این شد که محور اصلی تبلیغات، «صلح» باشد. «میزگرد» سازمانی بود که توسط سلطان طلا و الماس، سرمایه‌دار معروف «سیسیل رودز» (Cicil Rhodes) در انگلیس تأسیس شده بود. هدف این سازمان تحقق یک نظام جدید جهانی بود. روز در یکی از مصیئنامه‌های خود معروف به «مویستمنامه انجمن سری» هدف خود را «گسترش فرمانروایی انگلیس بر سراسر جهان» مشخص کرده است. وصی وی «رد روچیلد» بود که سال ۱۸۹۱ با اموال وی با الگوی انجمن‌های سری، محفلی تو در تو به نام «میزگرد» تأسیس کرد. اعضای میزگرد در انگلیس سازمانی به نام «مؤسسه سلطنتی برای امور بین‌الملل» تشکیل دادند و با تشویق آنان «شورای روابط خارجی» نیز در آمریکا تشکیل شد. سرهنگ «هائوس» چهره رموز دولت ویلسون با حمایت «والتر لیپمن» (Walter Lippman)، «جان فلوستر دالس» (John Foster Dulles) و «برادرش «آلن دالس» و «کریستین هرتر» (Christian Herter) سپس از یک ملاقات مهم در پاریس با اعضای گروه «میزگرد»، شورای روابط خارجی را تشکیل داد. مهم‌ترین سلاطین مالی آمریکا پس از جنگ اول جهانی یعنی گروه مورگان، راکفلر، بانک کوهن، لوپ و شرکا، بانک دیلیون رید و شرکا، بانک هرمن و برادران براون در این شورا نماینده داشتند. شورای روابط خارجی به اسم «تشکیلات»، «حکومت نامرئی» و حتی «وزارت خارجه راکفلر» معروف شده است. این سازمان نیمه‌سری بدون شک به صورت پرنفوذترین گروه سیاسی در آمریکا درآمده است. «اعضای رسمی شورای روابط خارجی از تعدادی در حدود ۱۵۰۰ تن از نخبه‌ترین سِرران حکومت، کار، بازرگانی، مالی، بنیادها و امور خیریه، ارتباطات و دانشگاهی ترکیب شده‌اند و به‌رمعظم این واقعیت که همین شورا همه پست‌های مهم را در همه دولت‌هایی که از زمان پرزیدنت «فرانکلین روزولت» تا امروز بر سر کار آمده‌اند در اشغال اعضای خود داشته است. گمان نمی‌رود از هر هزار آمریکایی، یک نفر هم اسم این شورا را شنیده باشد». «جیمز پراف» نویسنده کتاب «سایه‌های قدرت» نیز معتقد است همین شورای روابط خارجی نیز آمریکا را به جنگ دوم جهانی کشاند. وی با اسنادی که ارائه می‌دهد، می‌نویسد: «فرانکلین روزولت در دور دوم انتخابات

ریاست‌جمهوری با شعار «عدم ورود به جنگ» پیروز شد. روزولت در سخنرانی ۳۰اکتبر ۱۹۴۰ اعلام کرد: من قبلاً این را گفته‌ام اما دوباره و دوباره خواهم گفت: پسران شما قرار نیست به هیچ جنگی در خارج ایالات متحده فرستاده شوند». اما شورای روابط خارجی برای سلطه جهانی طرفدار ورود آمریکا در جنگ بود لذا در نشریه ششورا به نام «امور خارجه» تبلیغ و موعظه درباره مسلح شدن و ورود به جنگ را آغاز کرد. سال ۱۹۴۰ تعدادی از اعضای شورا نامه‌ای امضا کردند که در آن مصرانه می‌خواستند: «ایالات متحده باید فوراً اعلان کند بین این کشور و آلمان حالت جنگ وجود دارد». آنان در آخرین شماره مجله قبل از رویداد «پرل هاربر» نوشتند:

«امید برای آینده جهان و تنها امید در همکاری مسلل آزاد جهان در یک دولت مشترک قرار دارد… تشخیص نیازهای مشترک و مسؤولیت‌های مشترک توسط هر دو ملت [آمریکا و انگلیس] بزرگ‌ترین دستاوردی است که از جنگ نتیجه می‌شود. درست همان‌طور که برای پسران این مردم، جامعه ملل همان چیزی بود که در مقابل مصیبت جنگ اول سر برآورد». سرانجام وزیر جنگ آمریکا، «هنری استیمن» که یکی از اعضای شورا بود، شروع به تحریک آلمان‌ها و ژاپنی‌ها کرد. آگرچه آلمان‌ها به خاطر تجربه جنگ اول جهانی از خود بربراری نشان می‌دادند ولی دولت ژاپن ناوگان آمریکا را که در پرل هاربر مستقر بود، بمباران و نابود کرد و آمریکا رسماً وارد جنگ شد. بعدها کشف شد قبل از حمله ژاپنی‌ها، ضداطلاعات ارتش آمریکا از طریق کشف رمز بی‌به حمله قریب‌الوقوع ژاپنی‌ها برده بود و این اطلاعات را مرتباً به رئیس‌جمهور و ژنرال «جورج مارشال» رئیس ستاد ارتش فرستاده بود ولی آنان این اطلاعات را مخفی و در اختیار نیروی دریایی قرار نداده بودند. به این ترتیب آمریکا وارد جنگ شد. سپس میزبان سازمانی جهانی به نام سازمان ملل متحد قرار گرفت. «مهم‌ترین ابراز شورا، رسانه‌ها هستند. بیشتر رسانه‌ها در اختیار گروه‌های اقتصادی ششورا قرار دارد. شبکه‌های بزرگ رادیو و تلویزیون ABC، CBC، NBC در اختیار گروه راکفلر و مورگان است. روزنامه‌های مهم آمریکا، نیویورک تایمز، واشنگتن پست، تایم، لس‌انجلس تایمز و صدها روزنامه محلی، تخصصی و مجله معتبر و ده‌ها انتشاراتی بزرگ نیز از ابزارهای تبلیغاتی این سرمایه‌داران است.

شکل تأثیر گذاری شورای روابط خارجی در

حکومت از ۳ طریق است:

- توصیه شورا یا اعضای آن به حکومتگران آمریکا
- نوشتن کتاب، مقاله و تبلیغات وسیع رسانه‌ای برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی
- نفوذ دادن افراد خود در پست‌های حساس دولتی از قبیل وزارت و مشاورت

البته شورا با دخالت‌های مالی در انتخابات نیز رؤسای جمهوری را مدیون خود قرار می‌دهد، همان‌گونه که در انتخابات ریاست‌جمهوری ویلسون را به پیروزی رساند. همچنین شورا توانست مردی ناشناخته به نام «یکسون» را به ریاست‌جمهوری برساند و در مقابل، نیکسون «بیش از ۱۱۰ تن از افراد شورای روابط خارجی را به مناصب دولتی» منصوب کرد. شورا همچنان سیاست خارجی آمریکا را با اهداف اقتصادی هدایت می‌کند.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

دیگری از قبیل مشروطه^(۱) و قانون و تاسیس مجلس شورای ملی را خواستار شدند. فشار چندجانبه افشار مردم و علما مظفرالدین شاه قاجار را مجبور کرد در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ شمسی (۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۴۴ قمری و ۵ اگوست ۱۹۰۶) فرمان مشروطیت ایران را امضا کند. در میان پادشاهان سلسله قاجار، مظفرالدین‌شاه از دیگران به نسبت خصلتی انسانی‌تر داشت. عبدالله رازی در کتاب تاریخ ایران در این باره می‌نویسد: «مظفرالدین شاه جهان فانی را بدرد خود گرفت و نام نیک از خود به یادگار گذاشت. این پادشاه اگرچه مرد ضعیف‌النفس و بی‌کفایتی بود ولی باید انصاف داد که دل پاک‌طینت و خوبی داشت و از روی میل و رغبت با ملت همراهی نمود و فرمان مشروطیت را اعطا کرد.»^(۲)

بی‌نوش‌ت

- حکومت مشروطه و مشروطیت:** رژیم سیاسی یا **حکومتی که دامنه کاربرد قدرت در آن محدود به حدود قانونی است و به همین دلیل، در برابر مفهوم حکومت استبدادی و دیکتاتور قرار دارد.** ر.ک به: **آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، مورارید، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲**
- عبدالله رازی، تاریخ ایران**

منبع: زندگینامه، اندیشه‌ها و مبارزات آخوند محمدکاظم خراسانی، انتشارات قلم

اشاره
نهضت جنگل و تاریخ‌نگاری غرض‌آلود
<p>مرحوم استاد علی دوانی: از علل پیدایش نهضت و اهداف و شیوه‌ها و پایان غم‌انگیز آن سخن بسیار گفته‌اند. لیکن اغلب آن مطالب آوده به اغراض بوده و ماهیت نهضت را تحریف کرده‌اند. از جمله احمد کسروی در «تاریخ مشروطیت ایران» می‌نویسد: «جنگلی‌ها مردان کوته‌بین و ساده‌های بیش نبودماند و راه روشنی برای خود نمی‌دانست‌اند و لذا کارشان ناسامان در آمده است». سیدمهدی فرخ معتمدالسلطنه در مجله «اطلاعات هفتگی» نوشت: «من جنگلی‌ها را متوجه کردم که در مقابل دولت انگلیس از بشفه در مقابل فیلد کوچک‌تر و بی‌اهمیت‌ترند». سرپرسی سایکس در کتاب «تاریخ ایران» می‌نویسد: «حکومت ایران در مقابل این جنبش تقریباً ناتوان شد واگر اقدامات بریتانیای کبیر نبود، احتمال می‌رفت سلطنت را منقرض کنند». پس از انقلاب مشروطیت ایران، بزرگ‌ترین جنبشی که در مملکت پدید آمد، قیام میرزاکوکچک و انقلاب جنگل بود که ضد ناسلامتی‌های موجود و برای نجات کشور از نفوذ بیگانگان صورت گرفت و بویژه از نظر مرکزیت آن در جنگل تا آن زمان، با آن وسعت و ابعاد در هیچ جای دنیا سابقه نداشت و این موضوعی است که هنوز هم نظیر پیدا نکرده و آنچه هم تاکنون پیرامون آن نوشته‌اند برای شناخت این انقلاب ملی بی‌نظیر کافی نیست. چیزی که در این نهضت ملی جلب توجه می‌کند این است که رهبری انقلاب را یک روحانی جوان، آن هم در ایسن نقطه دنیا که از همه جا بی‌خبر بود و قید و بندهای فراوانی به دست و پا داشت، عهده‌دار بود. ابتکار این عمل توسط میرزاکوکچک در آن عصر و زمان، جالب‌ترین حادثه قیام ملی و عمل پارترتیانی به شمار می‌رفت. دسته‌های پارترتیانی جنگل متشکل از دهقانان، خر،دپوزروهای شهری و روستایی و کارگران و مزدبگیران بود که تحت رهبری کمیته اتحاد اسلام به زعامت میرزاکوکچک‌خان که از اهالی رشت و یک روحانی روشنفکر و آرماترگان و با شرف و منصفی بود، فعالیت می‌کردند. او در اوضاع آشفته سیاسی ایران و هنگام که توب ستی مجلس در قفقاز بود و در تفلیس و باکو با حدی با اوضاع جهان آشنا شد. مقارن تحصن علما در سفارت عثمانی، او نیز به شهر رشت پناهنده شد و پس از قتل آقا بالاخان سردار آق‌فص، به مجاهدان پیوست. در سال ۱۳۲۷ هـ.ق و فتح قزوین و تهران با آزادی‌خواهان همکاری داشت و همراه با مجاهدان گیلانی وارد پایتخت شد. هنگامی که ناصرالملک به عنوان تجدید انتخابات مجلس در بست. همراه با سردار محیی و ناصرالاسلام به یزد تبعید شد اما آنها را در قم نگه داشتند و بعد به تهران آوردند و چندی در باغشاه تحت نظر بودند تا از آنجا روند. در سال ۱۳۲۹ هـ.ق که روس‌ها، محمدعلی شاه را به ایران بازگرداندند، او تحریک او طغیان کردند، داوطلبانه به گرگان رفت و در آنجا تیر خورد و او را برای معالجه به باکو بردند. مقارن ختم غلته محمدعلی میرزا با عبدالحسین خان معزالسلطان که بعد از فتح تهران لقب سردار محیی گرفت و نمی‌خواست یا نمی‌توانست از اعمال مجاهدان جلوگیری کند، قطع ارتباط کرد و با آنکه در نهایت متصرف می‌زیست، از پذیرفتن کمک‌های مادی سردار امتناع ورزید. میرزا علت عقب‌افگادی ایرانیان را بی‌فرهنگی می‌دانست و از همین رو تصمیم داشت تا حد امکان به افتتاح مدارس بپردازد و سطح تعلیمات و معرفت عمومی را ارتقا دهد و اعتقاد داشت تعلیمات مدارس باید اجباری و مجانی باشد تا همه فرزندان کشور بتوانند از مزایای علمی یکسان برخوردار شوند و استعدادها پرورش یابند اما متأسفانه به دلیل گرفتاری‌های همیشگی سران نهضت در جنگ با دشمنان و خشتی کردن عملیات منافقین، این توفیق جز در ۳ سال آخر عمر نهضت جنگل دست نداد.</p> <p>***</p> <p>میرزا مردی خوش‌بنیه،ورزیده،خوش‌سیم، مؤدب، متواضع، معتقد به فرایض دینی و پایبند به اصول اخلاقی، صریح‌الپهچه و طرفدار عدل و دفاع از مظلوم بود. ورزش را دوست داشت و هر روز تمرین می‌کرد. در قیافه‌اش جاذبه‌ای بود که با هر کس روبه‌رو می‌شد، به ندرت اتفاق می‌افتاد که مجذوب متانت و مسجور بابت‌اش نشود. در جریان جنگ، هنگامی که قزاقان ایرانی به اسارت نیروهای او در می‌آمدند، با سخنان گرم و دلنشین با آنها صحبت و به حقایق امور آشنایشان می‌کرد و آنها چنان مفتون اخلاق و حرکاتش می‌شدند که با چشم‌ها اشکبار و دل‌های آکنده به مهر و محبت، او را وداع می‌کردند و به موطن خود بازمی‌گشتند.</p> <p>منبع: پیاکه جامع تاریخ معاصر ایران</p>